



۴ فبروری ۲۰۱۴



داکتر سید عبدالله کاظم

درسی که باید از گذشته آموخت!

درباره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009
(به استناد کتاب: کای آیدی: «مبارزه قدرت در افغانستان»)
Kai Eide: Power Struggle over Afghanistan

قسمت سوم

با وجود شدت برخوردها، تغییر کابینه مایه امیدواری بود

در دو فصل ذیل کای آیدی دو حالت را به تصویر می کشد: یکی اینکه مزاج کرزی بطرف شدت عمل گرایش می یابد و آنهم به دلیل اینکه سرنوشت او در انتخابات چطور رقم زده خواهد شد و او چگونه میتواند بار دیگر در مقام باقی بماند و دیگر اینکه در برابر خود میدید که جامعه جهانی بخصوص اداره جدید دموکرات ها در امریکا دیگر همان ملاطفت زمان جمهوریخواه ها را در حق او ندارد و به دلیل بی کفایتی حکومت، آنها علاقمند تغییر در ریاست جمهوری افغانستان میباشند. کرزی با آنکه میخواست از حفظ آنچه وزرا که دارای پیوند قومی بودند، به نفع خود در کسب رأی استفاده کند، ولی ناگزیر بود زیر فشار جامعه جهانی و ملل متحد به تغییر کابینه موافقه کند. جریان این دو موضوع را میتوان در این دو فصل مطالعه کرد:

پنج سال دیگر با کرزی

(فصل پانزدهم کتاب از صفحه 107 الی 111)

مترجم: داکتر کاظم

ما در طول زمستان اکثر اوقات مصروف مبارزه در مورد عدم موافقه بر تاریخ انتخابات و مشکلات مربوط به ثبت نام بودیم. با آنهم در پشت پرده مشکلات دیگر نیز به میان آمد. کرزی در آخرین ماه یک روش توأم با شدت عمل را در پیش گرفت. آیا ما میتوانستیم در تحت این شرایط پنج سال دیگر ریاست جمهوری او را تحمل کنیم؟ بسیاری از نمایندگان کلیدی بین المللی در این موضوع دچار شک و تردید جدی بودند. بسیاری از شخصیت های برجسته افغان حتی بعضی از همکاران نزدیک رئیس جمهور از خود می پرسیدند که چطور پنج سال دیگر را با این برخوردها گذرانید. کشمکش بین حکومت و حامیان اصلی بین المللی متواتر رو به صعود بود. آیا بهتر نبود که کرزی تصمیم به کناره گیری میگرفت؟ رئیس جمهور به من توضیح میداد که او کسی است که اگر توان داشته باشد، از کشمکش جلوگیری خواهد کرد و می گفت که او سیاستمداری است که ترجیح میدهد مشکلات را به نحوی که از پدرش به حیث زعیم یک قوم مهم پشتون - پوپلزی آموخته است، از طریق مشوره و اعتماد سازی حل کند.

تا آنوقت مذاکرات من با رئیس جمهور با وجود تفاوت نظرهای عندالموقع به آرامی و درست پیش میرفت و اما پس از خزان 2008 نحوه ای بیان او تغییر کرد و بیشتر شکل برخورد را به خود گرفت. او در ملاقاتها با مشاوران خود و نیز با نمایندگان خارجی و شخصیت های که به دیدارش می آمدند، با شدت کلام صحبت میکرد و معلوم می شد که دیگر به حرف کسی گوش فرا نمیدهد. وقتی من با او صحبت میکردم، او از هر طرف موضوع را می آورد و برایم مجال پایان دادن سخن را نمیداد.

برتانوی ها و امریکائی ها مخاطب و هدف اصلی او بودند. قوای برتانوی طوریکه تجارب آنوقت در افغانستان نشان داده است، بهترین شیوه جنگی را در پیش داشتند. اینکه چرا آنها در هیلند موفق نبودند و چرا مخالفان مسلح بعد از آنکه قوای برتانوی به آنجا آمدند، قویتر شدند، نه ضعیفتر، سؤالیست که طرح میگردد. برتانوی ها در عین زمان نقش رهبری در جنگ علیه تولید مواد مخدر را پیش می بردند و اما تولید خشخاش تقلیل نیافت، برعکس به شدت بالا رفت و هیلند، جائیکه قوای برتانوی در آن متمرکز بود، بیشترین تریاک را به مقایسه مجموع همه ولایات

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

دیگرتولید می‌کرد. اینکه چه دلیل بود، رئیس جمهور بر آنها شک داشت و از شیوه کار برتانوی ها ناراض بود. او فکر می‌کرد که اگر برتانوی ها بین منافع پاکستان و افغانستان یکی را انتخاب کنند، در آنصورت آنها با دقت بیشتر به پاکستان گوش میدهند تا به افغانستان. پاکستان یک قسمت از امپراطوری سابقه آنها بود و حالا یک عضو کامنولت شان میباشد. در افغانستان برتانوی ها در سابق شکست های خونین خورده اند که نه برتانویها و نه افغانها آنرا فراموش میکنند.

بعضی اوقات حمله او علیه نمایندگان برتانوی و امریکائی در محضر عام صورت میگرفت. در ماه دسامبر 2008 ما روز مبارزه علیه فساد را در لیسۀ امانی در جوار قصر ریاست جمهوری و بسیار نزدیکتر به دفتر ملل متحد برگزار می‌کردیم که در آن چند صد افغان حضور داشتند. سخنان کرزی در این محفل پر از اتهامات علیه جامعه جهانی بود و هیچ تذکری از مسئولیتهای افغانها داده نشد. در پایان سخنرانی کرزی روی به حاضرین کرد تا کسی را در میان آنها بیابد و پرسید: «آیا سفیر امریکا، بل وود Bill Wood در اینجا است؟» او آنجا نبود. کرزی ادامه داد: «شما می بینید، سفیر وود در هر موقع که او را می بینم، راجع به فساد شکایت میکند، اما او در این فرصت با ما یکجا نمیشود». بعضی افغانها با این گفته کف زدند. عده ای از نمایندگان بین المللی خاموش بودند و کم جرأت. رئیس جمهور به خوبی میدانست که سفیر وود نمیتوانست در آنجا باشد. او در روز قبل از کرزی معذرت خواسته بود که به دلیل یک کار عاجل خارج از کابل، در آن روز آمده نمیتواند.

عصیت کرزی همچنان متوجه بسیاری از وزرا و مشاوران نزدیک به خودش نیز بود. او به دلیل اتهامات ناوارد مبنی بر اینکه آنها بیشتر طرفدار غرب هستند، با آنها برخورد می‌کرد. آنها می نشستند و می شنیدند و اقلأ در حضور او هیچ مخالفت نمی‌کردند. اما وقتی از دفتر او بیرون می شدند، نگرانی خود را ابراز می داشتند. ملاقاتهای ما با رئیس جمهور اکثراً متمرکز بر محدود ساختن تلفات ملکی بود. سؤال اساسی که اغلباً مطرح می شد، این بود که آیاتحت این شرایط میتوان پنج سال دیگر را با او گذران کرد؟ عواقب آن برای افغانستان چه خواهد بود؟ آیا جامعه بین المللی شخصیت های ارتباطی قوی در قصر ریاست جمهوری خواهد داشت؟ آیا میتوان رئیس جمهور را دوباره به موقی برگردانید که کمتر جدال انگیز باشد؟ برخورد ها بین رئیس جمهور و جامعه بین المللی در گذشته وجود داشت، اما معلوم بود که بحث روی تلفات ملکی ناشی از عملیات قوای بین المللی در طول تابستان و خزان 2008 موجب برانگیخته شدن او در یک سطح متفاوت گردیده بود. بسیاری از وزرا و مشاوران او در اصل با وی موافق بودند، اما آنها بسیار از طرز برخورد او با مشکل نگرانی داشتند. حتی وضع بحرانی بین نزدیکان او دیده می شد.

بروز پنجم فبروری تصمیم گرفتم یک مشکل را با او مستقماً، آنطوریکه می خواستم، در میان بگذارم. او هیچگاه رخصتی نگرفته بود و حتی روزهای جمعه که روز رخصتی مسلمانها است، او در دفتر خود می بود. از او خواستم تا کمی به استراحت بپردازد و برای یک هفته جایی برود که از اخلاص مجالس بی پایان هرروز دور باشد. دوری چند روز از کابل و اقامت در یک فضای آرام میتواند او را سرحال نگهدارد و اما او این نظر را رد کرد و آماده نبود که بیرون از کشور برود، حتی برای یک رخصتی کوتاه. او گفت که: «یک رخصتی پرتجمل خارج از افغانستان بسیار بد معلوم خواهد شد».

جواب او به من شامل یک قسمت دیگر مشکل مذاکرات بود و من برایش گفتم: «آقای رئیس جمهور! شما در بالاترین مقام کشور تان برای مدت شش سال قرار دارید و مسئولیت بزرگ بر شانه شما است، آیا گاهی فکر کرده اید که تاچه وقت می‌خواهید این مسئولیت را بدوش داشته باشید؟ شما با اعمار یک افغانستان جدید و دموکراتیک آغاز کرده اید. این میتواند میراث شما برای کشور و یادی از شما در تاریخ خواهد بود». من نگران آن بودم که او در برابر این گفته هایم چه عکس العمل نشان خواهد داد، آیا او برآشفته خواهد شد و مرا از دفتر خود بیرون خواهد انداخت؟ اگر او چنین می‌کرد، در آنصورت شاید آخرین دیدار من با او می بود، اما عکس العمل او آنطور نبود که من فکر می‌کردم. برخلاف او از گذشته خود آغاز کرد و بعد درباره آینده خود سخن گفت. او از احساس خود در برابر وطن و سپس پسر خود - میرویس یاد نمود. هیچ چیزی برایش آنقدر مهم نبود، مگر آنکه پسرش بتواند در اینجا تحصیل کند و در یک افغانستان پراز صلح زندگی نماید. او آهسته اما سنجیده و به نظرم بسیار محترمانه سخن می گفت. او نمی خواست در ریاست جمهوری خود را بجسپاند. برایش دو بدیل مطرح بود: او میتواند تا نتیجه انتخابات با تمام مشروعیت در مقام باقی ماند و خود را دوباره کاندید کند یا او مقام را ترک گوید و منتظر جانشینی یک خلف خود

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

باشد. او درباره اینکه کدام شخص به حیث جانشین او میتواند از عهده این مسئولیت بدر آید، سخن گفت، اما لحظه بعد او به این نتیجه رسید که هیچ یک نخواهد توانست، اقل در همین حال از عهده اینکار بدر آید. در آن روز متوجه شدم که او یک احساس قوی مسئولیت و مکلفیت، طوریکه او بیان کرد و نظر خود را شرح داد، در برابر کشور خود دارد. من هیچگاه قبل از آن چنین چیزها را از او نشنیده بودم. چند روز بعد رئیس جمهور را با حضور زلمی رسول مشاور امنیت ملی و یکی از مشاوران وفادارش دوباره ملاقات کردم. کرزئی در حضور رسول عین پیام را تکرار کرد که نمیخواهد خود را به ریاست جمهوری بچسپاند. رسول از این گفته متعجب معلوم می شد. شاید اولین بار بود که او همچو سخنان را از رئیس جمهور می شنید. پس از آن من از طرح این موضوعات پشیمان شدم. گمان میکنم که او حق بجانب بود و من نیز به همان نظر آمدم که واضحاً هیچ کاندیدی نبود که جانشین او گردد.

جامعه بین المللی کرزئی را چنان با انتقاد و کم عزتی هدف قرار داده بود که من نظیر آنرا هیچگاه در جای دیگر ندیده بودم. او متحمل فشارهای گردیده بود که دلیل آنرا ما نمی دانستیم. تلفات ملکی موجب نگرانی و تحقیر او شد. وقتیکه همچو حوادث را بیان میکرد، شرکای بین المللی از او میخواستند که موضوع مخالفت خود را پشت درهای بسته برای شان بگوید. سیاستمداران نخبه بین المللی می گفتند که مشکل ناشی از عملیات نظامی نیست، بلکه حکومتاری خراب آنرا به وجود آورده است. بهرحال همان سیاستمداران بین المللی هیچگاه انگشت را در جهت از بین بردن جنگ سالاران قدیم و دلایان قدرت که هیچ علاقمندی به اصلاحات و حکومتداری خوب نداشتند، دراز نکردند. آنها کرزئی را در ارتباط با فساد زیرانتقاد می بردند و اما با عقد قراردادهای با افغانهای مشهور و فساد پیشه ادامه میدادند. اینجا یک ریاکاری بود که او را عصبی و ناراحت می ساخت و هر روز به این ناراحتی او افزوده می شد و اما تشویق رئیس جمهور در جهت کناره گیری از مقام یک راه حل نبود. (پایان فصل)

وزرای جدید و توقعات جدید

(فصل شانزدهم کتاب از صفحه 112 الی 119)

مترجم: داکتر کاظم

با تمام اختلافات و برخوردها در طول خزان و زمستان بعضی انکشافات امیدبخش نیز موجود بود که نوید پیشرفت در بعضی ساحات مهم را به همراه داشت. وقتی من در ماه مارچ 2008 به حیث نماینده سرمنشی ملل متحد به کابل آمدم، عده ای از وزرا را خوب می شناختم از جمله: رسول، سپینا، اتمر، وردک همچنان احسان ضیا وزیر انکشاف دهات و سید امین فاطمی وزیر صحت عامه. در مجموع کیفیت حکومت نامتعادل بود و یک تیم کاری واقعی را نشان نمیداد. یکی از دلایل همانا فقدان تجربه و کفایت کاری کاندیدها بود و دلیل دیگر را میتوان در قبال این واقعیت بیان کرد که کرزئی مجبور بود قوا و گروپهای داخل حکومت را بر مبنای رضایت جناحهای مختلف متوازن سازد. اگر او در این کار دست آزاد می داشت، حکومت او ممکن دارای شکل متفاوت می بود، ولی او نمی توانست واقعیت های اساسی زندگی سیاسی افغانها را نادیده گیرد.

وزرای امور امنیتی و اقتصادی هیچیک شان طوریکه ما ملاحظه کردیم، با روحیه یک تیم کاری که ما میخواستیم، سازگار نبودند. وزیر داخله ضرار مقبل به دلیل بی کفایتی و قبول فساد گسترده او یک منبع تخریش جدی نزد بسیاری از نمایندگان جامعه بین المللی محسوب می شد و رئیس جمهور تا آنوقت در مورد تعویض او نظر موافق نشان نمیداد. وزیر مالیه انوار الحق احدى شخص با کفایت بود، اما شامل تیم نبود و بعضی از همکاران مهم خود را تخریش میکرد. به امور زراعت و زیر بنائی افغانها اعضاء کردند و جامعه بین المللی نیز منابع مالی لازم را تدارک نکرد. وزیر آب و انرژی اسمعیل خان - یک جنگ سالار ظالم سابقه، شخص چندان محبوب نبود. همچنان کسی دیگر که حلقه همکاری بین وزرا را وصل کند، وجود نداشت؛ برعکس آنها برای کسب توجه و منابع مالی باهم رقابت میکردند.

در طول سال 2008 آوازه تغییر حکومت (کابینه) در همه جا بگوش میرسید. همه انتظار داشتند تا یک تیم جدید با اجندای اصلاحات و اشخاص ورزیده سیاسی به وجود آید. آوازه بود که بزودی وزیر زراعت تبدیل خواهد شد و این یک خبر خوش بود و ما توقع داشتیم که تغییرات بیشتر رونما شود. من موضوع را با یک گروپ کوچک همکاران بین المللی صحبت کردم و به نظر من مهم بود که کرزئی راضی شود تا وزیر داخله را تعویض نماید، زیرا آن

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلینکی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

وزارت بسیار مهم بود و ضرورت به یک تصفیۀ عاجل در سطح بالا داشت و برای تشکیل قوای پولیس قابل اعتماد در جهت آوردن ثبات در کشور نقش عمده بازی میکرد. من با رئیس جمهور پیرامون این موضوع چند بار صحبت کردم و به او نظر دادم که تغییر در یک یا دو وزارت تأثیر ندارد، تا وقتیکه وزیر داخله را تعویض نکند. اگر او این اقدام را رویدست گیرد، به یقین در آن وقت که مبارزه با فساد یکی از اولویت های مهم همکاران غربی و نیز یکی از نگرانی های اصلی در بین خود افغانها بود، نتیجۀ خوب بار می آورد. کرزی به یک وزیر قدرتمند نیاز داشت، کسیکه میتواند اعتماد دهنر های بزرگ را جلب کند و کسیکه در برابر وضع خراب روبه تزاید امنیتی در ولایات اطراف کابل و شاهراه ها به سرعت اقدام نماید. رئیس جمهور در برابر نظر من جواب داد که اضلاع متحده امریکا بر ضرر مقبل اعتماد دارد و با او خوب همکاری می کند و امریکائی ها تغییر را نمی خواهند. چرا او باید ضرر را تعویض کند؟ کرزی احتمالاً میخواست آن وزیر را نگهدارد و نظر امریکائی ها را به حیث یک دلیل ارائه میکرد، زیرا ضرر یک تاجک سرشناس بود و یک حوزه بزرگ رأی دهندگان را نمایندگی میکرد. در واقعیت نظریات درباره ضرر مقبل بین امریکائی های متفاوت بود: نظامی های امریکائی که با او کار میکردند، به مقایسه با متبای شخصیت های اداری کمتر نظر مخالف درباره او داشتند. ولی ما آرزومند سلامت پولیس و آغاز یک تصفیۀ وزارت داخله بودیم. وقتی من موضوع را با خانم کاندو لیزا رایس **C. Rice** مطرح کردم، او به من اطمینان داد که اداره ایالات متحده موضوع را غور کند و امید که کرزی ضرر را تعویض نماید.

دراثر مذاکرات بعدی کرزی بالاخره حاضر به آوردن تغییرات شد. آنوقت موضوع جانشین ضرر مطرح گردید و از چند شخص نام برده شد که بزودی به یک شخص که کاندید مورد نظر من بود، یعنی حنیف اتمر تمرکز صورت گرفت..... او شخص بسیار موفق در وزارت انکشاف دهات و بعداً در وزارت معارف بود... بهرحال وقتی از او درباره پرسیده شد، نگران آن بود که در یک سال باقیمانده تا انتخابات ریاست جمهوری او چه موفقیتی به حیث وزیر داخله در آن وزارت بدست خواهد آورد. او میدانست که توقعات جامعه بین المللی بسیار بلند است و دهنر های کلیدی بسیار بیصبرانه و احتمالاً با توقعات غیر واقعینانه از او انتظار خواهند داشت که اینکار خوب خواهد بود، اما توقع بسیار زیاد در وقت بسیار کم.

اجلاس سالانه مجمع عمومی ملل متحد در نیویارک همه را گرد هم آورده و در نظر بود که شورای امنیت یک جلسه را در مورد افغانستان اختصاص دهد که در آن وزرای کشورهای کمک کننده در امور مالی و نظامی برای افغانستان اشتراک نمایند. بحث درباره تغییرات در حکومت (کابینه) که کرزی با آن موافقه کرده بود، یکی از خبر های خوش بود که من میخواستم در نیویارک ارائه کنم، اما صبح روزیکه کابل را به قصد نیویارک ترک میکردم، یکی از دوستان افغانم به من تلیفون زد و گفت که رئیس جمهور تغییر کابینه را به تعویق انداخته است. آیا این گزارش درست بود؟ بعد از هفته ها مذاکره با کرزی و با امید اینکه همچو تغییر موفقانه پیش برود، فکر کردم که سفر خود را به تعویق اندازم و در کابل بمانم. در این وقت از بیرون افغانستان خبر های منفی میرسید و فضای رامغشوش می ساخت. ما به ایجاد یک فضای خوشبینانه ضرورت داشتیم و تغییر کابینه میتواند این زمینه را فراهم کند. بعد از چند تماس تلیفونی تصمیم گرفتم که به سفر خود ادامه دهم. وقتی به دوبی رسیدم، رئیس جمهور به من تلیفون کرد و به من اطمینان داد که بزودی تغییر را بعد از تدویر مجلس وزرا اعلام خواهد کرد. پرسیدم که به آنها (به اعضای شورای امنیت ملل متحد) چه بگویم، کرزی گفت: «برای شان بگوئید که یک خبر خوش خواهد بود».

چند روز بعد، اتمر را در نیویارک دیدم که در جمله هیأت افغان به آنجا آمده بود و از من ابراز امتنان کرد که او را به مقام بالاتر رسانیدم... بتاريخ 11 اکتوبر اتمر رسماً به حیث وزیر داخله اعلام شد و بعد از کسب رأی اعتماد از ولسی جرگه با انرژی و قاطعیت به کار آغاز کرد سائر وزرا نیز تعیین شدند، از جمله محمد آصف رحیمی وزیر زراعت، وحیدالله شهبانی وزیر تجارت و صنایع که هر دو قبلاً به حیث معین در وزرات ها کار میکردند و به مقایسه وزرات قبلی در سطح بلند تر کارائی قرار داشتند.

در فبروری 2009 یک پیشرفت مهم دیگر نیز رخ داد، طوریکه مقام وزارت مالیه، مشاوریت اقتصادی رئیس جمهور و معاونیت «بورده انسجام و نظارت» در بین دو شخص و بعداً سه شخص تقسیم گردید. از آنجائیکه بین آنها رقابت شدید وجود داشت، امور هماهنگی بسیار پیچیده گردید. مشاور اقتصادی عمر زخیلوال به مقایسه وزیر مالیه احدی و رئیس سابقه «بورده انسجام و نظارت» هدایت امین ارسلادارای تحرک و تفکر بیشتر در امور ستراتژیک

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بود. علاوه‌تاً معلوم می‌شد که او میتوانست در تیم یک بازیگر خوب باشد. من هیچگاه از طرزکار احدی بسیار مشعوف نشده بودم، با آنکه واضحاً یک وزیر با کفایت بود، اما او علایق مرا در مورد «برنامه همبستگی ملی» درک نکرده بود که من آنرا یک موفقیت بزرگ برای اعمار مجدد افغانستان میدانستم. ارسال یک شخص خوش برخورد و درباری بود، لکن فاقد انرژی و کفایت کاری. چیزی که ما به آن ضرورت داشتیم (یعنی تعویض وزیر مالیه)، کرزی دوباره استعفای احدی را از وزارت مالیه رد کرد. رئیس جمهور میدانست که احدی برای کاندید شدن در برابر او آمادگی نمیگیرد و میخواست او را حتی المقذور در مقام نگهدارنده تا رقیب او در انتخابات نشود. من نگرانی خود را در زمینه ابراز کردم. حینیکه احدی برای بار سوم استعفای خود را پیش کرد، رئیس جمهور مجبور به قبول آن گردید. بالاخره موقع برای تعیین یک شخص صاحب‌تحرک فرا رسید و من شدیداً زاخیلوال را به حیث جانشین احدی ترجیح میدادم و کرزی آنرا بخوبی میدانست. وقتیکه من بعد از استعفی بار سوم احدی دفتر رئیس جمهور را ترک میکردم، کرزی به من گفت که زاخیلوال وزیر مالیه بعدی خواهد بود و من به او اطمینان دادم که این انتخاب موجب مسرت جامعه بین‌المللی خواهد شد.

یادداشت: (کای آیدی در اینجا از برنامه‌های کاری سه وزیر جدید مختصر گزارش میدهد که با موضوع مورد بحث ما یعنی انتخابات چندان ربط نمیگیرد و لذا از ترجمه آن انصراف بعمل آمد، ولی تنها در مورد زاخیلوال قابل ذکر است که می‌نویسد: «او اکنون وزیر مالیه، مشاور ارشد اقتصادی رئیس جمهور و در عین زمان معاون من در مورد انسجام و نظارت میباشد و واضحاً او حیثیت گوش رئیس جمهور را دارد»).

(ادامه ترجمه): بالاخره پس از تغییرات در کابینه، پیش آمده‌ها رو به تغییر کردند و تشبثات سیاسی از طریق وزرای جدید به همکاری ملل متحد و سائره‌مکاران بین‌المللی رویدست گرفته شدند. مارک وارد **M. Ward** تا حد توان به حمایت وزیر مالیه و وزیر زراعت پرداخت و **کریس الکساندر C. Alexander** با اتمر در امور اصلاحات پولیس به همکاری نزدیک ادامه داد. از سفرای ممالک نیز بجای انتقاد، اکنون صدای تحسین بالا شد. هیأت‌های خارجی مراتب امیدواری خود را در قبال این تغییرات به من ابراز میکردند و به نظر میرسید که یک دوره سکون سیاسی روبه اختتام است.

(در اینجا بار دیگر کای آیدی توجه را به اموری میدول میدارد که در ارتباط با فعالیت‌های شعب مختلف ملل متحد در مورد مواد مخدر اختصاص دارد که از بحث مورد نظر ما بدور است، لذا از ترجمه آن صرف نظر گردید و تنها در پراگراف اخیر این فصل می‌نویسد):

تغییرات همچنان در دفتر من به وقوع پیوست: **تام گرگ Tom Gregg** به مقصد از دواج دفتر را ترک کرد و بجای او **سکات سمیت Scott Smith** که از مدت یک دهه در امور انکشافی در افغانستان کار میکرد و شخص وارد در کارها بود، به حیث آمر تیم ملل متحد در افغانستان تعیین گردید که شناخت او از سیستم ملل متحد و نیز اهلیت او در تهیه متن سخنرانی‌ها و راپورها بی‌نظیر بود.

(ادامه دارد)